

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث چهل و هفتم: به شکل خوک و بوزینه...!

عَنِ النَّبِيِّ ص:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لِيُخْرِجَنَّ مِنْ أُمَّتِي مِنْ قُبُورِهِمْ فِي صُورَةِ الْقِرْدَةِ وَالْخَنَازِيرِ، بِمُدَاهِنَتِهِمْ فِي
الْمَعَاصِي وَكَفَّهِمْ عَنِ النَّهْيِ وَهُمْ يَسْتَطِيعُونَ

*** سند روایت:**

کنز العمال، ج ۳، ص ۸۳

*** شرح و ترجمه حدیث:**

رسول گرامی اسلام ص در روایتی می فرمایند:

قسم به خدایی که جانم در دست اوست، (در روز قیامت) از امت من، عده ای «به شکل خوک و بوزینه» از قبرهایشان خارج می شوند (و محشور می شوند)؛

به خاطر سازش شان در گناهان (دیگران)، و نهی از منکر نکردن شان (معصیت را دیدن و سکوت کردن و تذکر ندادن)؛ در حالی که می توانستند (تذکر بدهند)؛

*** پیام ها و رهنمودها:**

– روایت، خبر تکان دهنده ای است از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله، که افرادی (که از

امت پیامبر ص هم هستند!)

در روز قیامت به شکل خوک و بوزینه از قبرهایشان خارج می شوند!

و دلیل آن، این است که این افراد در این دنیا «می توانند» امر به معروف و نهی از منکر کنند،

اما آن را ترک می کنند؛

و به همین خاطر به چنین عقوبتی دچار می شوند

(البته این هشدار پیامبر ص، می تواند صورت باطنی عمل آنان در همین دنیا نیز باشد...).

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث چهل و هفتم: شریک گناه همسایه

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

مَنْ لَهُ جَارٌ وَيَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي، فَلَمْ يَنْهَهُ، فَهُوَ شَرِيكُهُ.

*** سند روایت:**

ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۳

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

کسی که همسایه ای دارد که گناه می کند، و او آن همسایه اش را نهی نکند، پس در گناه آن همسایه شریک است.

*** نکات:**

– در کتاب **إرشاد القلوب (ترجمه سلگی)**، این روایت به نقل از امام جعفر صادق ع این طور ذکر

شده که امیرالمومنین ع این روایت را در میان خطبه هایشان ایراد فرموده اند.

– در «مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام (ترجمه تنبیه الخواطر)» نیز مضمون این روایت، به

نقل از «تورات» ذکر شده است.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث چهل و نهم: «خليفة» ی خدا و رسول...

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى قَالَ:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ [وَ خَلِيفَةُ كِتَابِ اللَّهِ]

* سند روایت:

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج ۱۲ ؛ ص ۱۷۹

* شرح و ترجمه حدیث:

پیامبر خدا (ص) فرمودند:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه و جانشین خدا در روی زمین، خلیفه رسول خدا (بر روی زمین)، [و خلیفه قرآن (بر روی زمین)] است.

* نکات:

– این روایت، حدیث بسیار زیبا و مشهوری است؛ که علامه حلی در آثارش و بسیار دیگر از محدثین نقل کرده اند.

که در برخی نسخه ها، عبارت انتهای حدیث، بصورت: «... وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِ اللَّهِ» آمده است.

* پیام ها و رهنمودها:

– واقعا چه جایگاه والایی دارد کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند!
وقتی در یک محیطی یک معصیتی دارد انجام می شود، و کسی تذکر نمی دهد، حُب خداوند آنجا خشمگین شده است!

و شما وقتی آنجا تذکر می دهی، گویا «نماینده خدا» هستی در آن محیط؛
در آن مهمانی، در آن اداره، در آن اتوبوس یا...؛ شما جای خدا را می گیری!
یعنی وظیفه ای که خدا و نبی، و قرآن (اگر آنجا ناطق بود)، و ولیّ خدا (اگر آنجا حاضر می بود)، انجام می داد، شما آن وظیفه را انجام دادی...؛
لذا می فرماید: هُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمیرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجم: امر به معروف و نهی از منکر، بر طرف کننده می عذاب

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي فِي الْمَنَامِ قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ جَعَلَاهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ

* سند روایت:

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة) ؛ ج ۲؛ ص ۳۶۵ - مشكاه الأنوار فی غرر
الأخبار ؛ النص ؛ ص ۴۹ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج ۱۲؛ ص ۱۸۰ - بحار الأنوار
(ط - بیروت) ؛ ج ۹۷؛ ص ۹۱ - الأمالی (للسدوق) ؛ النص ؛ ص ۲۳۱

*** شرح و ترجمه حدیث:**

رسول خدا (ص) فرمودند:

**مردی از امتم را در خواب دیدم که زبانه های آتش از هر طرف او را احاطه کرده؛
که ناگهان امر به معروف و نهی از منکر (ها) یش آمدند و او را از میان آتش رهایی دادند
و همنشین با ملائکه قرارش دادند.**

*** نکات:**

**– این خواب رسول خدا ص توسط عبدالرحمن بن ثمره که از اصحاب خوب پیغمبر ص است، نقل
شده است.**

*** پیام ها و رهنمودها:**

**– می دانیم که خواب انبیاء وحی است،
و مثل خواب های ما و انسان های عادی نیست،
که گاهی اضغاث احلام باشد،
یا بر اثر مسائل مختلف (مشغولیات ذهنی، پر خوری و...) باشد.
خیر، خواب نبی وحی است!
و این، حقیقت و باطن امر به معروف و نهی از منکر را نشان می دهد.**

خوشا به حال کسانی که روز قیامت،

یک این چنین باقیات الصالحاتی مثل امر به معروف و نهی از منکر در کارنامه شان داشته باشند...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و یکم: فرسنگ تقدیری!

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع :

قَالَ [أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع] :

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي

*** سند روایت:**

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۶۳۹ - تحف العقول؛ النص؛ ص ۳۶۶ - الإختصاص؛ النص؛ ص ۲۴۰ - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ۴؛ ص ۲۲۵ - الوافي؛ ج ۵؛ ص ۵۷۴ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۲؛ ص ۲۵ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۲؛ ص ۵۳۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۷۱؛ ص ۲۸۲ - نهج الفصاحة؛ ص ۴۷۰ - الحياة، ج ۱، ص ۳۲۶ (ترجمه احمد آرام)

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

در میان برادران دینی ام، آن کس را بیشتر دوست دارم که عیب هایم را به من بنمایاند و هدیه بدهد.

*** نکات:**

– آن کسی که دوست دارد،

تو را از اشتباه نهی ات می کند و باز می داردت

(در روایتی دیگر داریم: «مَنْ أَحَبَّ نَهَاكَ...»).

ولی کسی که تو را دشمن می دارد،

همه اش ازت تعریف بیخود می کند و امر به معروف و نهی از منکر ت هم نمی کند و می گذارد

همان طور که هستی بمانی و بهتر نشوی!

*** پیام ها و رهنمودها:**

– اینکه: بهترین برادرهای شما کسی است که ایرادهای تان را به شما تذکر بدهد،

یعنی: «فرهنگ انتقادپذیری»!

این فرهنگ نیز باید برود بالا؛

نه فقط فرهنگ انتقاد کردن و تذکر دادن!

بلکه فرهنگ انتقاد پذیری و تذکر پذیری هم باید در سطح «جامعه ما» و «قلب های ما» ارتقا پیدا

کند.

– «أَهْدِي إِلَىٰ عِيُوبِي»

یعنی: عیب هایم را به من «هدیه» بدهد، نه اینکه عیب هایش را به سمتش پرت کند!

شما وقتی می خواهید یک چیزی را هدیه بدهید، یک کادویی هم دورش می پیچید؛

یک زینتی هم بهش اضافه می کنید که این باعث خوش آمدن و لذت شخص دریافت کننده هم بشود...!

لذا اگر ما روایات فراوانی داریم دال بر اهمیت تذکر دادن،

انتقاد کردن و امر و نهی کردن،

از آن طرف هم روایات زیادی داریم که به ما می فهماند که:

«آقا، بالاخره پذیر!»

و این حالت «هدیه دادن» عیوب،

باعث می شود که از طرفی «فرهنگ انتقاد پذیری» بالا برود

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و دوم: دو روایت راهبردی در باب «عالم بودن»

حدیث ۱:

قَالُوا [عِدَّةٌ إِلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: يَا وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ! لَا نَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ حَتَّىٰ نَعْمَلَ بِهِ كُلَّهُ
وَلَا نَنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّىٰ نَنْتَهِيَ عَنْهُ كُلَّهُ؛ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
لَا! بَلْ مَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنْ لَمْ نَعْمَلُوا بِهِ كُلَّهُ؛ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ كُلَّهُ.

* سند روایت ۱:

إرشاد القلوب ج ۱، ص ۱۴ (ترجمه طباطبایی) - وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۱۵۱ - مجموعه ورام ج ۲
ص ۲۱۳ - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۵۷۷

طريق اول: (مرفوع، عادی) الحسن بن محمد الديلمي [الحسن بن ابی الحسن بن محمد الديلمي،
امامی فاضل محدث جلیل] فی الإرشاد عن رسول الله ص قال قيل له... فقال

*** شرح و ترجمه حدیث ۱ :**

عده ای خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردند:

ای وصی رسول خدا!

(آیا؟)

ما امر به معروف نکنیم مگر این که خود به همه آنها (به طور کامل) عمل کنیم؛

و نهی از منکر نکنیم مگر وقتی که همه منکرات را (به طور کامل) ترک کنیم.

حضرت امیر علیه السلام در جواب آنها فرمودند:

«نه، (چنین نباشید!) بلکه امر به معروف بکنید،

حتی اگر خودتان به همه کارهای خوب عمل نکنید (گاهی در انجام آن معروف مشکل دارید و آن را کاملاً انجام نمی‌دهید)؛

و نهی از منکر بکنید، گر چه همه منکرات را ترک نکنید (گاهی بعضی از آن منکر را انجام می‌دهید و کاملاً آن را ترک نکرده‌اید).»

حدیث ۲ :

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ؛

وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِلِسَانِكَ وَبِأَيْدِيكَ؛ وَبِأَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ؛ وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ وَلَا تَأْخُذْكَ
فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُمْ؛ وَخُضِّ الْعِمْرَاتُ إِلَى الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ؛...

– عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ يَا بُنَيَّ أَقْبِلْ مِنَ الْحُكَمَاءِ مَوَاعِظَهُمْ وَ تَدَبَّرْ أَحْكَامَهُمْ وَ كُنْ آخِذَ النَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ وَ أَكْفَ النَّاسِ عَمَّا نَهَى عَنْهُ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ فَإِنَّ اسْتِمَامَ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ

* سند روایت ۲:

نهج البلاغه (للسبحي صالح)؛ ص ۳۹۲ – كشف المحجّة لثمره المهجّة؛ ص ۲۲۲ – تحف العقول؛ النص؛ ص ۶۸ – روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط – القديمة)؛ ج ۱۳؛ ص ۸۱ – بحار الأنوار (ط – بيروت)؛ ج ۷۴؛ ص ۲۰۰ – مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۹۰ – وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۱۴۹

طريق اول: (مسند، عادى، صحيح) محمد بن على بن الحسين [بن بابويه، امامى ثقه جليل] باسناده عن أمير المؤمنين ع قال فى وصيته لولده محمد بن الحنفية

* شرح و ترجمه حديث ۲:

امير المؤمنين عليه السلام مى فرمايند:

امر به معروف (و کار نیکو) کن تا از اهل آن شوى؛

و با دست و زبانت، منکر را رد (و نهی) کن؛

و با تلاش و کوشش ات، از آن که منکر را انجام مى دهد، جدایی کن؛

و در راه خدا (با دشمنان دین و نفس اماره) جهادی شایسته ی او کن؛

و در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده (ها) باکی نداشته باش (در انجام امر به معروف و نهی از

منکر و سایر احکام الهی، سرزنش کسی مانع انجام وظیفهات نگردد)؛

و برای (یاری) حق، هر جا و به هر سختی که باشد اقدام کن؛ ...

*** نکات (مربوط به هر دو روایت):**

– از جمله روایاتی که مراجع معظم تقلید، از آنها استنباط می کنند که:

«عامل بودنِ امر به معروف (به آنچه که بدان امر یا نهی می کند)، جزو شروط و جوب امر به معروف و نهی از منکر نیست»، همین دو روایت امیرالمومنین ع است.

– در روایت اول، عده ای (که شاید انگار خود را مسلمان تر از پیامبر ص و حضرت علی ع می دانستند و به اصطلاح کاسه داغ تر از آش بودند!)

نزد امیرالمومنین ع آمده اند و عرض کرده اند: یا امیرالمومنین!

ما تصمیم گرفته ایم که دیگر امر به هیچ معروف و نهی از هیچ منکری نکنیم!

چرا؟

چون ما باید اول برویم خودمان را درست کنیم!

امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم،

مگر زمانی که خودمان آن معروف ها را تمام و کمال انجام دهیم و خودمان همه آن منکرها را ترک کرده باشیم

(احتمالاً می خواسته اند به مراتب عصمت برسند و بعداً شروع کنند...!!)

و حضرت با شدت این طرز تفکر آنان را رد کردند و فرمودند:

خیر!

مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلُوا بِهِ كَلْهٍ؛ وَإِنهَؤَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَهُوَا عَنْهُ كَلْهٍ...

– برخی برای توجیه طرز تفکر غلطی که بدان اشاره شد، به اشعار یا ضرب المثل هایی مثل:
«عیب کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش!»

یا «رطب خورده منع رطب کی کند!»

و از این دست های حرف‌های بی پایه متوسل می شوند؛

که می دانید این ضرب المثل اخیر، که به روایتی استناد داده می‌شود، هم روایتش از لحاظ
«سندی» مشکل دارد و هم «دلالت» ندارد؛

بحث هایی مثل جعل حدیث و... مطرح است که در این مجال وارد آن نمی‌شویم.

*** پیام ها و رهنمودها (مربوط به هر دو روایت):**

– ما در زمینه‌ی عدم شرط بودن «عامل بودن» در امر به معروف و نهی از منکر، روایات زیادی
داریم که می‌گوید: خودت حتماً نباید عامل باشی.

عبارت «مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلُوا بِهِ كَلَّه» (در روایت اول)،

و «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ» (در روایت دوم)،

صراحتاً این ادعا را که «آمر به معروف، باید اول خودش را درست کند»، رد می‌کند.

چون حضرت می‌فرمایند: عامل بودن، شرط امر به معروف و نهی از منکر نیست؛

و حتی اگر خودت هم می‌لنگی، باید تذکر بدهی!

لذا ما باید «خودسازی» را هم زمان با «دگرسازی» انجام دهیم. نه اینکه یکی معطل یکدیگر
بماند...

– بعضی می گویند: صبر کنید تا ما آن قدر خودسازی کنیم که برسیم به مقام امام خمینی یا آیت
الله بهجت و...، بعد ما امر به معروف و نهی از منکر می کنیم!

در حالی که: برادر مومن! خواهر مومن!

اولین قدم خودسازی چیست؟؟

انجام واجبات!

دو تا واجب از واجبات دینت، امر به معروف و نهی از منکر است!

آیا می شود بدون این که کسی نماز بخواند، بگوید ما فعلاً نمازمان را کنار می گذاریم تا خودسازی
کنیم و حضور قلبمان را زیاد کنیم و بعد شروع به نماز خواندن می کنیم!!

می شود!!

خیر!

ما با همین نماز و امر به معروف و نهی از منکر باید خودسازی کنیم.

شاید واقعیتش این باشد که این افراد از انجام امر به معروف می ترسند!

در صورتی که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر ترس ندارد؛
نه اجل کسی را نزدیک می کند و نه رزق کسی را کم می کند.

اگر رزق کم شد، بدان که رزق باید امروز آن قدر کم می شده؛

اجلت نیز آن روزی که باید برسد، می رسد، حالا چه با سکنه باشد و چه با شهادت!

– برخی برای فرار از امر به معروف، دنبال بهانه اند!

اما آیا (مثلاً: «چون خودم روز گذشته یک غیبت مرتکب شدم، حالا دیگر نباید به فلانی که می

بینم دارد غیبت می کند تذکر بدهم»!؟!

خیر، این طور نیست!

(بحث این موارد را از قول و فتاوی مراجع تقلید قبلاً گفته ایم)؛

آیا گناه دیروز که مثلاً شما خدای ناکرده غیبتی مرتکب شده ای، مجوز گناه امروزت می شود؟!؟

که امر به معروف را که واجب امروزت هست را هم ترک کنی تا یک گناه دیگر برایت بنویسند؟!؟

دیروز یک گناه کردی امروز هم یک گناه دیگر برایت بنویسند؟!؟

یا مثلاً دیروز شخصی عمداً یا سهواً نمازش قضا شد، و این شد یک گناه؛

حالا ترک واجب دیروز مجوز این می شود که امروز اگر نماز دوستش دارد قضا می شود،

به او تذکر ندهد و امروز هم امر به معروف را ترک کند؟

نخیر این طور نیست!

«واجبات مستقل از یکدیگرند».

البته اگر خودمان عامل باشیم و رعایت کنیم، تأثیر تذکر ما بیشتر می شود؛

نفوذ کلام ما بیشتر می شود.

ولی همین قدر بدانیم که طبق این روایت و بسیاری دیگر روایاتی که در این زمینه داریم، اهل بیت

علیهم السلام و رسول خدا ص می فرمایند:

امر به معروف کنید، حتی اگر خودتان کامل انجامش نمی دهید؛

حتی اگر خودت هم می لنگی امر کن!

نهی از منکر کن!

حتی اگر خودتان گاهی وقتها آن منکرات را مرتکب می شوید،

نهی از منکر کنید که زشتی گناه از بین نرود و در ذهن مان و ذهن جامعه قبضش حفظ بشود...

– البته این را عرض کرده ایم که «توصیه اخلاقی» این است که انسان خودش هم، نسبت به آنچه
بدان امر یا نهی می کند، عامل باشد.

گاهی هم شاید عاملیت را به عنوان «شرط واجب» (نه «شرط وجوب») بتوان تلقی کرد؛
«یعنی اگر خودش عمل کند، امر و نهی اش اثرگذار می شود و...».

اما در هر صورت در وضعیت وجوب،

این طور نیست که بتوانیم امر و نهی را متوقف کنیم که حالا صبر کنید که من ده سال دیگر روی
خودم کار کنم و عامل بشوم، و بعدا بخواهم امر به معروف کنم!

– می خواهی اهل یک معروف یا کار خوب (که الآن نیستی) بشوی

(یک کار خوبی هست که می دانی آن کار، خوب است ولی هر کاری می کنی نمی توانی اهل آن
بشوی و انجامش بدهی و به آن عادت کنی...؟؟)

جوابش این است: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ، تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ»؛

دیگران را به آن معروف یا کار خوب امر و وادار کن، تا خودت هم اهل آن معروف شوی!

چون این باعث می شود که کم کم خودت هم در آن فضا بیفتی؛

در رودربایستی آنها، و در رودربایستی خودت با خالقت قرار بگیری...؛

می بینی که ای بابا!

من دارم کاری را به دیگران می گویم که خودم بهش عمل نمی کنم، یا کم عمل می کنم!

و این انگیزه می شود که خودت هم اهل آن معروف بشوی.

گویی حضرت امیر ع می فرمایند: راه آن، این است که خودت را در رودربایستی بیاندازی!

با خودت می گویی: اگر امروز به رفیقم گفتم نمازت را اول وقت بخوان،

از فردا دیگر جلوی او زشت است که نمازهایم را دیر بخوانیم!

حداقل وقتی این رفیقم هست نمازهایم را با او اول وقت می‌خوانم...

— حضرت امیر ع در ادامه حدیث دوم می‌فرماید:

«وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»؛

از سرزنی سرزنی‌کنندگان در این راه نباید ترسید.

انسان باید محکم باشد: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...».

اما این محکم بودن به معنی گستاخی، بی‌ادبی و امر به معروف‌های غلط و افراطی نیست.

محکم بودن یعنی: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»!

یعنی در راهت ثابت قدم باش؛

«ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...»؛

آن وقت نصرت‌ها و امدادهای غیبی خدا هم می‌رسد.

آن وقت «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» محقق می‌شود؛

آن وقت دیگر تو نیستی که تذکر می‌دهی!

تو حرف می‌زنی و خدا حرف را به جان و دل او می‌نشانند...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و سوم: روایت «لَیْسَ مِنَّا»!

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى صَقَالَ:

لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُوقِّرْ کَبِیْرًا وَ یَرْحَمْ صَغِیْرًا وَ یَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ.

*** سند روایت:**

عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۱؛ ص ۱۰۸ – نهج الفصاحة؛ ص ۶۶۴ –

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۸۵

*** شرح و ترجمه حدیث:**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

از ما نیست کسی که: (۱) به بزرگ ترها احترام نگذارد، (۲) به کوچکترها رحم نکند، (۳) امر به معروف نکند و (۴) نهی از منکر نکند (این چنین آدمی: «لَیْسَ مِنَّا»!).

* نکات:

– ما یک سری روایات «مِنَّا» داریم؛ مثلاً پیامبر ص می فرماید کسی فلان عمل را انجام بدهد، «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»! یا بعضی افراد را به مصداق اسم می برد: «سَلَمَانَ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (و چقدر لذت دارد آدم یک حرکات و اعمال خوبی ازش سر بزند که پیامبر ص آنها را در راستای «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» بدانند...). بعضی احادیث هم داریم، که به عکس هستند؛ مثلاً پیامبر ص در آنها می فرماید فلان افراد، «لَيْسَ مِنَّا»؛ اینها از ما نیستند! (و حالا این عبارت «از ما نیستند»، چقدر لحنش تویخی و تند است؟! گویی یک جور تحقیر، یا یک جور هشدار و انذار است. مثل حدیث معروف: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ الصَّلَاةَ» فرمود که بر شفاعت ما نرسد / آن کس که نماز را سبک بشمارد!؛ که تازه باز آنجا «لیس منّا» نیست، ولی وقتی حضرت می فرماید: فلان افراد، لیس منّا! اینها، این دسته از آدم ها از ما نیستند، یعنی پس فردا در صحرای محشر انتظاری هم از ما نداشته باشند...)

* پیام ها و رهنمودها:

– پیامبر خدا ص فرموده است از ما نیست کسی که به کوچگترها و بزرگترها رحم و احترام نکند (یعنی مثلاً در اتوبوس جایش را به یک پیر مرد نمی دهد؛ یا در مهمانی به یک بچه کوچولو مهربانی نمی کند یا...)، و یا نسبت به گناهان بی تفاوت باشد و امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ این آدم، لیس منّا! حالا هر چقدر هم که می خواهد بدود و اعمال مستحب دیگر انجام بدهد...، این آدم، از نگاه پیامبر ص «لیس منّا» است و از پیامبر ص و اهل بیت ع حساب نمی شود.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و چهارم: وَاللَّعْنَةُ تَانِ مِی كُنْمُ !!

عنه عن علي بن أسباط عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم قال:

كتب أبو عبد الله ع إلى الشيعة:

لِيُعْطِفَنَّ ذُوو السِّنِّ مِنْكُمْ وَ النَّهْيَ عَلَى ذَوِي الْجَهْلِ وَ طُلَّابِ الرَّئِاسَةِ أَوْ لَتُصِيبَنَّكُمْ لَعْنَتِي أَجْمَعِينَ

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٨؛ ص ١٥٨ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٢٠ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ٢٦؛ ص ١٩ - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد؛ ج ٢٠؛ قسم ٢؛ الصادق ع؛ ص ٦٣٠

طريق اول: (مسند، ضمير و تعليق، موثق) محمد بن يعقوب الكليني [تعليق] [امامی ثقة جليل] عن عدة من أصحابنا [ضمير] عن سهل [بن زياد الأدمي، امامی مختلف فيه و التحقيق انه ثقة] عن علي بن أسباط [بن سالم، فطحی ثقة و في رجوعه عن الفطحية كلام] عن العلاء بن رزین [القلاء، امامی ثقة] عن محمد بن مسلم [الثقفي، امامی ثقة جليل من الصحاب الاجماع] قال كتب أبو عبد الله ع

إلى الشيعة

*** شرح و ترجمه حدیث:**

روایت است که امام صادق (ع) در نامه ای که به شیعیان شان نوشتند، فرمودند:
باید افراد پخته ی شما (سن و سال دارهای شما، بزرگ های شما، خردمندان شما)،
نادانان را امر به معروف و نهی از منکر کنند (گناهکارها را تذکر بدهند، دل بسوزانند)؛
و به مسئولین و کسانی که طالب ریاست هستند نصیحت کنند (آنها را ارشاد کنند)؛
و اگر نکردید (یا این کار را می کنید یا اینکه:
أَوْ لَتُصِيبَنَّكُمْ لَعْنَتِي أَجْمَعِينَ)، لعن و نفرین من به همه شما خواهد رسید.

*** نکات:**

– امر به معروف و نهی از منکر در قرآن به قدری مهم است که تارکش «ملعون» معرفی شده است؛
خدا در قرآن صریحاً لعنت کرده کسی را که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند!
در حالی که هیچ جای قرآن نداریم که بگویید: تارک نماز ملعون است!
بله، قطعاً تارک نماز از رحمت خدا دور است،
ولی صریح قرآن ننوشته که (مثلاً: التَّارِكُ الصَّلَاةِ وَهُوَ مَلْعُونٌ، يَا لَعْنِ تَارِكِ الصَّلَاةِ، یا...؛
نه، نداریم!
هیچ جای قرآن ننوشته: کسی که روزه نگیرد ملعون است، یا کسی که خمس ندهد یا حج نرود
و...، ملعون است!
البته این ها کار بدی است، ترک واجب است، و قطعاً آن شخص از رحمت خدا دور می شود؛
اما اینطور نصّ صریح برایش نیست.

اما چند جا در قرآن و روایات صریحاً تأکید شده که لعنت خدا، لعنت انبیاء، لعنت قرآن، لعنت اهل بیت علیهم السلام بر تارک امر به معروف و نهی از منکر است.

و لذا باید خوب به این مسئله دقت کرد.

– نمونه ای از لعنت شدن تارک امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، آیه ۷۸ و ۷۹ سوره مبارکه مائده است:

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹)»؛

که می فرماید: انبیاء تارک امر به معروف را لعنت کردند.

و مخصوصاً اسم هم می آورد از آن انبیاء: داوود نبی (ع)، عیسی بن مریم (ع).

و دقت بفرمایید که در علوم قرآنی، مفسرین قرآن می گویند:

«قول انسان صالح در قرآن»، «کلام الله» هم هست.

یعنی هم داوود (ع) و عیسی (ع) دارند لعنت می کنند تارک امر به معروف را، هم قرآن لعنت می کند، هم خداوند (جلّ جلاله) آنان را لعنت می کند.

چرا که این سخن الله هم هست.

– این روایت یکی از نمونه روایاتی است که از آن بر می آید که:

امام زمان ما هم ممکن است (بلکه حتماً!) ما را به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر لعنت کند.

اسلام تعارف ندارد؛

چرا دست دیگران را نمی گیریم؟؟

چرا دوست یا همکار یا همشهری ات را امر به معروف و نهی از منکرش نمی کنی، نجاتش نمی دهی؟!!

امام صادق ع نوشته است همه تان را لعنت می کنم...!

– جالب توجه است که این روایت، هر دو بُعد مهم امر به معروف و نهی از منکر را اشاره می کند:

«تذکر لسانی (عمومی)»

و «مطالبه از مسئولین»؛

حضرت فرموده اند: باید بزرگترها کوچکترها را تذکر بدهند، باید جاهلان را نصیحت کنند،

مسئولینتان را ارشاد کنند...؛

این ها را برای شان دل بسوزانید؛

امر به معروف کنید، نهی از منکر کنید؛ و اگر نکنید، لعن و نفرین من به همه شما خواهد رسید!

* پیام ها و رهنمودها:

– این روایت فقط برای نامه آن روز امام صادق ع نیست؛

بلکه به ما هم باید بر بخورد!

امروز امام زمان ما هم درد دلش همین است؛

نمی گوید اگر نماز نخوانی همه تان را لعنت می کنم!

(نماز بخوان، ولی سالی چند بی نماز را نماز خوان می کنی برادر؟!؟!)

حاج خانوم! سالی چند تا شل حجاب را محجبه میکنی؟!؟!!

آقا یا خانمی که متاهل شدی و الحمدلله از این تنگنا عبور کرده ای و خیالت از این بابت راحت شد!

سالی چند ازدواج را جوش می دهی؟!؟!؛

اما امام صادق (ع) می فرماید چون به فکر دیگران نیستی، لعنت تان می کنم؛

امام زمان (عج) می فرماید لعنت تان می کنم...!!

– این هشدار امام صادق ع خطاب به جامعه امروز ما هم هست.

اگر ما امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، ولی خدا در مبارزه با منکرات تنها می ماند.

نباید همه ی کار بر روی دوش امام معصوم باشد.

وقتی مردم وظیفه خودشان را در مبارزه ی با منکرات انجام نمی دهند، ولی خدا احساس تنهایی می کند؛

در واقع، قصه آیه ۷۸ سوره مائده (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ...) هم از همین مسائل نشأت می گیرد؛

که مردم به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند، مشمول لعنت ولی الله می شوند.

– این حرف ها را که قدری لحنش هم تند است، هر کس باید به خودش بگوید؛

هر کس بگیرد به گوش خودش!

اینکه: ما که الحمدلله متاهل شدیم!

ما که الحمدلله نماز می خوانیم!

الحمدلله حجاب داریم و...!

ولی برای ازدواج دیگران واسطه گری نکردیم،

برای نجات جوان ها از دام فساد کاری نکردیم،

برای نماز خوان کردن دیگران تلاشی نکردیم،

برای محجبه کردن شل حجاب ها کاری نکردیم...،

آن دنیا توقع شفاعت و اینها را نباید داشته باشیم!

خدایا!

کمک کن ما مشمول لعنت خودت، کتابت، انبیایت، اهل بیت رسول الله ص، مشمول لعنت امام

زمان مان، مشمول یک آه کشیدن ولی مان نشویم!

به برکت امر به معروف و نهی از منکر کردن؛ و به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و پنجم: پاداش امر و نهی مسؤلان

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلًا مِنْ رِوَايَةِ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ قَوْلُوَيْهِ عَنِ جَابِرٍ:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَوَعظَهُ وَخَوَّفَهُ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
وَمِثْلُ أَعْمَالِهِمْ

* سند روایت:

وسائل الشيعه؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۴ – السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)؛ ج ۳؛
ص ۶۳۴ – الإختصاص؛ النص؛ ص ۲۶۱ – بحار الأنوار (ط – بيروت)؛ ج ۷۲؛ ص ۳۷۸ –
مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۷۸

طريق اول: (مرفوع، عادى) محمد بن إدريس [محمد بن منصور بن احمد بن ادريس، امامى ثقه
جليل] فى آخر السرائر نقلا من رواية أبى القاسم بن قولويه [جعفر بن محمد بن قولويه] عن جابر
[بن يزيد الجعفى، امامى ثقه جليل ربما ضعف] عن أبى جعفر ع قال

* شرح و ترجمه حدیث:

امام باقر علیه السلام فرمودند:

کسی که نزد حاکم ستمگری برود و او را به تقوای الهی امر کند و او را اندرز داده و بترساند، برای او (اجری) همانند پاداش همه ی جن و انس، و (همچنین، اعمالی) همانند تمام اعمال آنها است (می نویسند).

* نکات:

– به طور کلی این روایت ناظر به اهمیت حوزه «امر به معروف و نهی از منکر مسئولین» (به ویژه در جامعه اسلامی) است.

که در فضا و ادبیات امروزی، «مطالبه گری» مردم یا امت نسبت به مسئولان و کارگزاران حکومت نیز گفته می شود.

* پیام ها و رهنمودها:

– این روایت جایگاه «مطالبه» را نشان می دهد؛

نقش و جایگاه بالای «تذکر به مسئولین» را نشان می دهد.

امام باقر علیه السلام در این روایت، ثواب و اجر کسی را که برود پیش یک مسئولِ خطاکاری (سلطان ستمگر، حاکم ظالم، آدمی که به هر حال یک سلطانی و ریاستی دارد و در کارش ظلمی یا خطایی از وی سر زده)،

و او را امر به تقوی کند و وعظ و نصیحتش کند،

و (به خاطر عملکرد بدش) او از خدا بترساند و اندارش کند و برگردد،

معادل تمام ثواب و اجر عبادات جن و انس می دانند (كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ)؛

و امام معصوم ع تاکید هم می کند که:

نه فقط ثواب و مزدش را می دهند، بلکه مثل و عین تمام اعمال نیک و عبادات تمام انس و جن را برای چنین کسی می نویسند.

و این در بحث فریضه امر به معروف،

جایگاه رفیع و اهمیت ویژه ی «امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسؤلان» را نشان می دهد

(مانند روایت معروف «كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» و...).

– اینکه رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید مهمترین حوزه امر به معروف و نهی از منکر، تذکر دادن به مسؤلان است، حوزه مطالبه کردن از مسؤلان است، و می فرماید شما مردم باید ما مسؤلین را نیز امر به معروف کنید و نهی از منکر کنید، ناظر به همین دست روایات است.

و نکته مهم که هم در بیان احادیث و هم در کلام حضرت آقا (حفظه الله) وجود دارد، این است که: مردم باید کار خوب را از مسؤلین بخواهند؛

آن هم نه صورت خواهش و تقاضا، بلکه بصورت «مطالبه» و «امر» به تقوی و کارهای خوب! و مردم باید مطالبه گری داشته باشند...

خدا کند که ما خودمان را از این ثواب ها و امتیازات خوب انجام امر به معروف محروم نکنیم

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و ششم: نسخ خدا در مورد اهل معصیت!

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ:

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي وَالْقُوهْمُ بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ وَالتَّمَسُّوا بِرِضَا اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالتَّبَاعِدِ مِنْهُمْ

* سند روایت:

نهج الفصاحة ؛ ص ۳۹۰

*** شرح و ترجمه حدیث:**

پیامبر گرامی اسلام ص فرمودند:

خودتان را به خدا نزدیک کنید (به خدا نزدیک بشوید)،

به وسیله ی مبعوض داشتن و دشمنی کردن با گنهکاران و اهل معصیت

(البته منظور، بیشتر بغض نسبت به گناه است)؛

و با آنها با چهره های عبوس و اخمو دیدار کنید؛

و رضای خدا را در ناخشنودی و ناراحت کردن آنان طلب و دنبال کنید

(رضای خدا را در ناخشنودی اهل معصیت بجوید)؛

و به وسیله دوری جستن از اهل گناه خودتان را به خدا نزدیک کنید.

*** نکات:**

— روایت «بُوجُوهٍ مُكْفَهَرَةٍ...» را قبلا هم داشته ایم و درباره «اهل معصیت» صحبت کرده ایم؛

منظور کسانی است که «دائم» مشغول گناه هستند.

اینجا دستور روایت این است که علاوه بر «عبوس» برخورد کردن،

آنان را «مبعوض» نیز بداریم و با بغض با آنان رفتار کنیم (بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي)،

و به این وسیله خود را به خدا نزدیک کنیم؛

با این توضیح که: این بغض بیشتر نسبت به گناه مطرح است تا گناهکار؛

یعنی بیشتر جنبه «فعلی» گناه (حُسن فعلی) مدنظر است تا جنبه «فاعلی» آن (حُسن فاعلی)؛

اما هر دو در کنار هم!

البته اینها همیشگی نیست؛

یعنی قرار نیست که همه جا با گناهکار اخمو باشیم!

نه؛

ولی یکی از روش های امر به معروف و نهی از منکر همین عبوس نگاه کردن به گناهکاران است.

* پیام ها و رهنمودها:

– دنبال این نباشید که گناهکاران را از خودتان راضی کنید!

اتفاقا اگر می خواهی خدا دوست داشته باشد،

باید سعی ات بر این باشد که گناهکار را (طوری که بفهمد به خاطر گناهِش است)،

از خودت ناخشنود کنی («و التَّمَسُّوا رِضًا لِلَّهِ بِسَخَطِهِمْ...»).

– هر چقدر از معصیت کار و اهل معصیت دورتر باشی (بُعدت بیشتر باشد)،

خودت را بیشتر به خدا نزدیک کرده ای (و تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالتَّبَاعِدِ مِنْهُمْ)!

باز عرض می‌کنیم: اینها هیچ کدام قطعیت بر اطلاق ندارد که بگوییم همه جا باید از گناهکار دوری کنیم!

نه؛

اتفاقا یکی از روش‌های امر به معروف این است که شما خودت را به گناهکار نزدیک کنی!

باهایش طرح رفاقت ایجاد کنی!

باهایش رفت و آمدت را بیشتر کنی، در مجالسش بروی و بیایی

(آنجاهایی که احساس می‌کنی که این روش «رفت و آمد و نزدیکتر شدن» بیشتر باعث می‌شود

که گناه از بین برود، تا اینکه خودت را بکشی کنار و او در گناه غرق بشود...!)

در بخش اول روایت هم، همه جا قرار نیست اخم کنیم!

یک جا اتفاقاً شما احساس میکنی لبخند زدن و تذکر دادن با زبان خوش و با روی خوش اثرش

بیشتر است؛

آنجا نباید اخم کنیم!

اما به هر حال این هم یکی از راه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر است.

ان شاء الله خدا همه ما را عالم و عامل به روش‌های صحیح امر به معروف و نهی از منکر بدارد.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام‌رسان‌های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و هفتم: راه عشق بازی با خدا...

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ: تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ قَالُوا يَا رُوحَ اللَّهِ بِمَاذَا نَتَحَبَّبُ إِلَى اللَّهِ وَنَتَقَرَّبُ قَالِ بُبْغُضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي وَالتَّمَسُّوا رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ قَالُوا يَا رُوحَ اللَّهِ فَمَنْ نَجَالِسُ إِذَا قَالَ مَنْ يَذْكُرُكُمْ اللَّهُ رُوِيَتْهُ وَ يَزِيدُ فِي عَمَلِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ يَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ

* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٧٤ ؛ ص ١٤٧ - إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي) ؛ ج ١ ؛ ص ٧٧ - تحف العقول ؛ النص ؛ ص ٤٤ (ترجمه جعفری).

*** شرح و ترجمه حدیث:**

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریون خودش چنین فرمود: (ای حواریون من!)

دوستی و محبت خویش را به خداوند عرضه دارید، و خود را به او نزدیک کنید

(خدا را دوست داشته باشید، حبّ تان و عشق تان به خدا را زیاد کنید، خودتان را محبوب خدا

قرار بدهید و با خدا عشق بازی کنید...!)

حواریون به جناب عیسی ع عرض کردند: ای روح الله، به چه وسیله؟

(چه جوری خودمان را به خدا نزدیک کنیم و این حبّی که بین ما و خدا است را بیشتر کنیم؟)

حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) فرمود:

به وسیله دشمنی با جمعیت گنهگار و نافرمان، و (اینکه) خشنودی خدا را به وسیله خشم به ایشان

بجوئید (باگنهکاران با بغض رفتار کنید؛

یک کاری کنید بین آنها و شما رابطه مودت نباشد؛

با آنها طوری رفتار کنید که از شما ناخشنود باشند...).

آنان گفتند: پس در این صورت با چه کسی همنشین شویم؟!)

فرمود: با آن کس که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد،

و گفتارش بر عمل شما بیفزاید، و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.

* نکات:

– نکات مهم این روایت، ذیل روایت دیگری از نبی مکرم اسلام (ص) که شبیه به همین مضامین را فرموده بودند (تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي، وَالْقُوْهُمُ بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ، وَالتَّمَسُّوا رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالتَّبَاعِدِ مِنْهُمْ)، اشاره شد.

صدور عین همان الفاظ از زبان پیامبر بزرگی مثل حضرت عیسی بن مریم ع – که بیشتر معروف به محبت و رأفت در بین مردم هستند – نشان دهنده قدمت،

اهمیت و میزان پایه ای،

اساسی و جدی بودن مفهوم «بی تفاوت نبودن در برابر گناه و گناهکاران»،

در آموزه های دین الهی است (با توجه به آیه شریفه: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...»);

که اتفاقاً راه دوستی با خداوند و محبوب شدن نزد پروردگار نیز هست.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– نباید دنبال این بود که به هر قیمتی، به به و چه چه گناهکاران را بدست آوریم!

این ناراحتی و بغض و کدورت بین شما و اهل معصیت،

باعث می شود خدا از شما راضی بشود،

شما را دوست داشته باشد و به خدا نزدیک بشوید.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث پنجاه و ششم: «(۳ گفتار) که علیه خودمان نیستند!

عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ:

كَلَامُ ابْنِ آدَمَ كُلُّهُ عَلَيْهِ، لَا لَهُ؛ إِلَّا أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ، أَوْ نَهْيًا عَنِ مُنْكَرٍ، أَوْ ذِكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى.

*** سند روایت:**

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۵؛ ص ۲۹۲ – بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج ۹۰، ص ۱۶۵
– مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، النص، ص ۵۷ – نهج الفصاحة؛ ص ۶۰۹ (ترجمه ابوالقاسم
پاینده)

*** شرح و ترجمه حدیث:**

نبی مکرم اسلام ص فرمودند:

گفتار فرزند آدم تماماً علیه او و به ضررش است، نه به نفعش؛ مگر (سه گفتار): (۱) امر به معروفی،
یا (۲) نهی از منکری، یا (۳) ذکری از خدای متعال.

*** نکات:**

– کم حرف زدن و حرف خوب زدن یکی از ویژگی های انسان های حکیم است، که روایات

اخلاقی زیادی درباره اش داریم؛

از جمله روایتی که می فرماید: وقتی خدا بنده ای را دوست داشته باشد سه چیز را به او الهام می

کند: **قَلَّةُ الطَّعَامِ وَ قَلَّةُ الكَلَامِ وَ قَلَّةُ المَنَامِ؛**

کم خوردن، کم خوابیدن و کم حرف زدن. روایت حاضر، هم درباره «کم حرف زدن» است و هم

مرتبط با «امر به معروف و نهی از منکر»؛

مضمون خودمانی این روایت (با اغماض)، تقریباً همین می شود که: به جز برای امر به معروف و

نهی از منکر کردن، حرف دیگری نزنید!

– روایتی هم از حضرت رضا علیه السلام هست که ایشان می فرمایند: خاموشی (سکوت، الصُّمُت)

دری از درهای حکمت است.

که البته سکوت انواعی دارد؛ اتفاقاً بعضی جاها اصلاً نباید سکوت کرد، باید حرف بزنی آنجا...

* پیام ها و رهنمودها:

– روایت حاضر می فرماید: بنی آدم هر حرفی می زند نه تنها به نفعش نیست،

بلکه به ضررش هم هست

(مثل آن که می گویند: هر چی می گویی در دادگاه علیه ات استفاده می شود!)،

چون هر حرفی از دهان ما درمی آید، کرام الکاتبین می نویسند

و یک روز علیه ما استفاده می شود (همان که قرآن می فرماید: «لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ / ا۸ق»؛

ولو اینکه کلام خوبی هم باشد، بالاخره باید آنجا در آخرت جواب پس بدهیم که چرا این را گفتیم

و چرا آن را نگفتیم؟!)

مگر یک حالت؛

اینکه: آن کلامی که از دهان فرد خارج می شود، یا برای امر کردن به یک خوبی ای باشد،

یا برای نهی کردن از یک بدی ای باشد، و یا ذکر و یاد و عبادت خدا باشد

(مثل سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن یا نماز خواندن و صلوات فرستادن و...)

که اینها علیه انسان نیست.

– امر به معروف و نهی از منکر آن قدر جایگاه دارد که خداوند متعال (به واسطه پیامبرش) آن را

در این روایت، کنار «ذکرالله» قرار می دهد!

و این نکته بسیار مهمی است که ما واقعا باید سعی کنیم کم حرف بزیم.

اما «امر به معروف» و «نهی از منکر» و «ذکر خدا» تنها کلماتی هستند که از تمام حرف هایی که ما

می زنیم مستثنی هستند،

و به زبان ما جاری می شوند در حالی که علیه ما نیستند،

و بلکه دقیقا به نفع ما هستند.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حديث نجاه ونعم: انواع واقسام صدقه...

عَنِ النَّبِيِّ ص:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ، وَ أَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَ إِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ وَ إِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَ الشَّوْكَ وَ الْعِظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ

* سند روایت:

نهج الفصاحة؛ ص ۳۷۹ (ترجمه ابوالقاسم پاينده) -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۲۴۳ و ۲۴۲ - الدعوات (للاوندی)، سلوة الحزين، النص، ص ۹۸ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۲، ص ۵۰ - نهج الفصاحة ص ۳۷۸ - مجموعة ورام، ج ۱، ص ۸

* شرح و ترجمه حدیث:

نبی مکرم اسلام ص فرمودند:

لبخند تو به روی برادرت، برای صدقه است (صدقه محسوب می شود)؛

امر به معروف کردن و نهی از منکر کردن برای صدقه است؛

راهنمایی کردن کسی که راه را گم کرده برای صدقه است؛

و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه برای صدقه است.

* نکات:

– در برخی منابع حدیثی که در بالا ذکر شد، متن حدیث به گونه دیگری نیز نقل شده است:

«الْقُطْبُ الرَّأُونْدِيُّ فِي دَعْوَاتِهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةً قِيلَ مَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ قَالَ صَ إِمَامَتِكَ الْأَدَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ وَ إِرْشَادِكَ الضَّالَّ إِلَى الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ وَ عِيَادَتِكَ الْمَرِيضِ صَدَقَةٌ وَ أَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَ رَدُّكَ السَّلَامَ صَدَقَةٌ.»

* پیام ها و رهنمودها:

– در روایات تاکید شده است که «صدقه»، عمر را زیاد می کند، رزق و روزی را زیاد می کند و خیلی برکات دیگر برای عاملش دارد.

بعضی فکر می کنند که منظور از صدقه، فقط یک پولی است که شما از جیبتان درمی آورید و به یک انسان فقیری می دهید؛

در حالی که صدقه در اسلام انواع و اقسام و مصادیق متعددی دارد؛

از جمله مواردی که وجود نازنین پیامبر ص در این روایت ذکر کرده اند.

– یک وقت است شما پولی نداری که به کسی بدهی، یا به هر دلیلی نمی توانی به کسی «کمک پولی» کنی، اما مستضعف و فقیر، مستضعف و فقیر «فکری» هم هست!

«فقیر فرهنگی» هم هست، «فقیر دینی و مذهبی» هم هست!

رسول خدا ص می فرمایند یک صدقه خیلی کم خرج،

همین است که به روی برادر مومنت لبخند می زنی؛

این خودش صدقه است

(البته آن صدقه های مالی را نباید رها نکنیم،

و از فردا دیگر به جای پول دادن به فقرا، فقط لبخند بزیم بهشان!!).

یکی دیگر از مصادیق صدقه،

این است که یک کسی را که واجب یا مستحبی را انجام نمی دهد، وادار به آن کار خیر کنی؛

این هم – اگر در راه خدا باشد – برای تو صدقه محسوب می شود.

و همین هم باعث افزایش رزق مادی و معنوی و طول عمر ما می شود

(وَأْمُرْكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ)؛

«نهی کردن» دیگران از هر منکر و گناهی،

و «ارشاد کردن» یک کسی که گمراه است و در مسیر گمراهی قرار گرفته هم جزو صدقات ما حساب می شود؛

که البته «ارشاد گمراه» هم، مصداقی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر (به معنی عام) شمرده می شود

(شاید اینجا بتوانیم بگوییم رسول خدا ص در این روایت، ذکر «خاصه» بعد از «عام» داشته اند، یا از باب «تاکید» بوده که ارشادِ مردِ گمراه را مستقلاً ذکر کرده اند)؛

همچنین است برداشتن خار یا سنگ یا مشکلی از پیش پای مردم و هموار کردن راه برای افراد...

خدا به همه ما توفیق بدهد که امر به معروف و نهی از منکر را باعث طول عمر بدانیم،

باعث جلب ارزاق مادی و معنوی بدانیم؛

و ان شاءالله «با اخلاص» این واجب زیبا را انجام بدهیم.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوٹاری دوره آموزش تخصصی امر بہ معروف ونہی از منکر

”احادیث فراموش شدہ“ استاد علی نقوی

حدیث ششم: کی ”تر“ و ”خُشک“ باہم می سوزند؟!

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ
بْنِ صَدَقَةَ:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع :

[أَيُّهَا النَّاسُ] إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِذُنُوبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ سِرًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ
الْعَامَّةُ. فَإِذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ جِهَارًا فَلَمْ تُغَيِّرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجَبَ الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ
وَجَلَّ

* سند روایت:

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ؛ ص ۵۹۷ (ترجمہ غفاری) – وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۳۵

طریق اول: (مسند، تذیل و عادی، موثق) محمد بن علی بن الحسین [بن بابویہ، امامی ثقہ جلیل]
فی العلل عن أبيه [علی بن الحسین بن بابویہ، امامی ثقہ جلیل] عن عبد الله بن جعفر [الحمیری،
امامی ثقہ جلیل] عن هارون بن مسلم [بن سعدان، امامی ثقہ جلیل و كان له مذهب فی الجبر

والتشبيه [عن مسعدة بن صدقة] قيل انه عامي بتری و فيه تامل و هو ثقة على التحقيق [عن جعفر بن

محمد ع قال قال أمير المؤمنين ع

* وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ [بْنِ أَحْمَدَ بْنِ وَليدٍ، اِمَامِي ثِقَةٍ جَلِيلٍ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ [عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِمْرَانَ، اِمَامِي ثِقَةٍ جَلِيلٍ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ [بْنِ سَعْدَانَ، اِمَامِي ثِقَةٍ جَلِيلٍ] وَ كَانَ لَهُ مَذْهَبٌ فِي الْجَبْرِ وَالتَّشْبِيهِ [مِثْلَهُ وَ زَادَ قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا فَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيَّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يُدَلُّ بِعَمَلِهِ دِينَ اللَّهِ وَ يَفْتَدِي بِهِ أَهْلَ عِدَاوَةِ اللَّهِ

* شرح و ترجمه حدیث:

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

(ای مردم! بدانید که:

خداوند به خاطر گناه یک عده ی خاص (و اندک)،

همه (توده و عموم مردم) را عذاب نمی کند، اگر (به شرطی که:

آن عده ی خاص، گناه (شان) را یواشکی و «مخفیانہ» (سراً)، و به نحوی انجام بدهند که بقیه و عموم مردم متوجه آن نشوند

(در این حالت، چون گناه را فقط همان گروه خاص و محدود انجام می دهند و بقیه هم نمی دانند، خدا فقط گناهکاران را عذاب می کند).

اما اگر آن عده ی خاص، گناه را «علنی» (جہراً) انجام بدهند،

و دیگران و عموم مردم هم این گناه را متوجه شوند و نهی نکنند (سعی در تغییر آن نکنند)، هر دو گروه مستوجب عقوبت از طرف خدای عزّ و جلّ می شوند (خداوند هر دو را با یک چوب می زند و عذاب می کند).

* نکات:

– خداوند در «نظام عدالت» اش، تر و خشک را با هم نمی سوزاند؛

وقتی عموم مردم گناهی را نمی بینند و از آن خبر ندارند، بی اطلاع هستند و فقط یک عده قلیلی از آنها انجامش می دهند، خدا هم فقط همان عده قلیل را عذاب می کند؛

اما اگر گناه علنی شد و عموم مردم مطلع شدند و جلوگیری نکردند، نهی از منکر نکردند و خلاصه ککشان هم نگزیده(!)،

آن وقت می فرماید که هر دو گروه –هم آن گناهکاران، و هم آن عموم مردمی که فهمیدند و امر به معروف و نهی از منکر نکردند– را عذاب می کنم.

* پیام ها و رهنمودها:

– طبق این حدیث، هم باید «امید داشته باشیم به امر به معروف و نهی از منکرهایی که انجام می دهیم»، و هم «بترسیم از سکوت و بی تفاوتی» ای که بر سرنوشت خود ما که اهل گناه هم نیستیم سایه می اندازد، و خدای نکرده ما را هم مستوجب عذاب الهی –در کنار گناهکاران– می کند!

خدا ان شاء الله همه ما را موفق به انجام این واجب فراموش شده بدارد...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث شصت و یکم: «دست کسری» از سگمزن نادان!

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ وَغَيْرِهِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ،
عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ رَجُلٍ سَمَّاهُ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبَّيِّ، عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ، قَالَ:

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا خُطْبَةً بَعْدَ الْعَصْرِ:

... وَ خُذُوا عَلَى يَدِ الظَّالِمِ السَّفِيهِ، وَ مَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ ...

* سند روایت:

کافی (ط - دار الحديث)؛ ج ۱؛ ص ۳۴۳ - الوافی، ج ۱، ص ۴۳۹ - التوحید (للصدوق)، ص ۳۱
- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴، ص ۲۶۵ - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲،
ص ۱۰۴

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه روزی بعد از نماز عصر (مردم را در مسجد نگه

داشتند و) در خطبه ای فرمودند:

دست های ظالم بی عقل را بگیرید (و آن را از سر مظلوم کوتاه کنید)، و امر به معروف و نهی از

منکر انجام دهید.

*** نکات:**

– عبارت «خُدُوا عَلٰی يَدِ الظَّالِمِ السَّفِيهِ» را چند جور معنا کرده‌اند؛ مفهوم کلی این است که:

«دست ظالم را از سر مظلوم کوتاه کنید»؛ ولی معنای خودمانی‌اش این است که «دست گیری

کنید!»، و این با «دستگیر کردن» هم به هر حال، هم معنی و نزدیک است. این که دست یکی (آن

هم فردی که به خاطر جهالت دارد ستمی می کند) را بگیرند یا دستگیرش کنند، هر دو یکی است و

فقط شدتش فرق می کند.

* پیام‌ها و رهنمودها:

– این روایت ما را به یاد فرمایش پیامبر اکرم ص می‌اندازد که: «افضلُ الجهادِ کلمهٌ عدلٍ عندَ امامٍ (أو سلطانٍ) جائرٍ»؛ بالاترین مرتبه‌ی امر به معروف و نهی از منکر این است که جلوی ظلم یک ظالمی یا ستم یک مسئول ستمگری را بگیری؛ جلوی فسادی که یک مسئول، یک مدیر، یک معاون، یک شخص ذی نفوذی می‌خواهد انجام بدهد را بگیری. امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نماز مردم را نگه داشته‌اند که به همین نکته تأکید کنند و بفرمایند که این کار به چه روشی ممکن است؟ به روش: «مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». این تکلیف همیشگی مسلمانان و واجب کفایی است، و تا زمانی که «به حدّ کافی» مردم تذکر ندهند، بر همه گناه نوشته می‌شود.

خداوند انشاءالله کمک مان کند که همه این واجب مهم را انجام بدهیم

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث شصت و دوم: «یا حسین» یا «با حسین»؟!؛

مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ صُرَدٍ وَ الْمُسَيَّبِ بْنِ نَجْبَةَ وَ رِفَاعَةَ بْنِ شَدَّادٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَالٍ وَ جَمَاعَةَ الْمُؤْمِنِينَ، أَمَّا
بَعْدُ:

فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ:

مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِتًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ
بِالْأَيْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بَقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ.

وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ ... أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَّلُوا الْحُدُودَ ... وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا
حَلَالَهُ؛ وَ إِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص؛ ...

* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٤٤، ص ٣٨١ - مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ٣، ص ١٤٣ -
الحياة، ج ٥، ص ٢٥٧ (ترجمه احمد آرام)

* شرح و ترجمه حدیث:

امام حسین (ع) [در جریان حرکت به سمت کربلا] فرمودند:

(ای مردم! ای جماعت مومنین!) شما می‌دانید که رسول خدا (ص) در زمان زندگانی اش چنین فرموده است:

«هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می‌شمارد، و پیمان خدا را می‌شکند (و به عدالت رفتار نمی‌کند)، و با سنت رسول خدا مخالفت می‌ورزد، و در میان بندگان خدا به گناه و تجاوز عمل می‌کند، آنگاه نه با سخن و نه با اقدام در صدد تغییر اوضاع برنیاید، سزاوار است که خداوند او را به همان جایی از دوزخ ببرد که آن سلطان ستمگر را می‌برد [مردم! شما همه یادتان است و این فرمایش رسول خدا ص را می‌دانید...]»؛

و (اکنون) می‌دانید که این قوم (یزیدی‌ها)، فساد را آشکار کرده اند، و حدود (و احکام الهی) را تعطیل کرده اند، ... و حرام خدا را حلال، و حلالش را حرام کرده اند (و مصداق همین روایت پیامبر ص هستند)؛ و من به واسطه ی قرابتی با رسول خدا ص، به این کار مستحق تر (و از همه شایسته تر) هستم (که برای امر به معروف و نهی از منکر و تغییر این اوضاع بروم).

* نکات:

– همه ما این را خوانده ایم و می‌دانیم که حسین بن علی علیهما السلام هدف قیام شان امر به معروف و نهی از منکر بوده است. و ایشان در جای جای حرکتشان تأکید بر این امر می‌کنند. روایت حاضر، خطبه معروفی است از آن حضرت، که در کنار برکه‌ای در منطقه‌ای بین نام «بیضه» (که بین «واقصه» و «عذیب» بوده)، آن را ایراد فرموده اند؛ و نکته‌ای دارد در باب دو فریضه ی مهم امر به معروف و نهی از منکر.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– این که حضرت می فرماید: «مُسْتَحَلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ» یا «أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا حَلَالَه» (یعنی آن سلطان ظالم حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده)، تداعی همان معناست که: «جای معروف و منکر را با یکدیگر عوض کرده است!».

– عبارت «يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» یعنی: در «حکومتش، در مملکتش، در شهرش»؛ یا حتی «در اداره‌اش، وزارت‌خانه‌اش، سازمان‌اش و...»، و «در هر سمت و جایگاهی که دارد»، اثم و عدوان و دشمنی و گناه را رواج می‌دهد.

– روایت می فرماید اگر کسی این چنین شخصی را ببیند ولی جلوی او را با «حرف زدن» و با «عمل کردن» نگیرد و آن را تغییر ندهد، بر خدای متعال حق است که آن آدم لال ساکت بی تفاوت را با همان مسؤول خطاکار و خلاف‌کار در یک جهنم بیاندازد! یعنی با همان آتشی که او را می‌سوزاند، این آدم ساکت را هم بسوزاند؛ و در همان مدخلی که آن دزد و اختلاس‌گر، یا آن احتکار کننده، یا آن رانت دهنده، یا آن نزول‌خوار را می‌اندازد، شما را هم در آن می‌اندازد (حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ).

– عبارت «وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص» که حضرت امام حسین ع درباره خودشان می فرمایند، یعنی: «هرکس دین‌دارتر است و در بین مردم به دین شناخته شده‌تر است، مسؤولیت اش در باب امر به معروف و نهی از منکر بیشتر است»؛ و این قابل توجه آن‌هایی است که ادعای دین‌داری شان می‌شود، ولی...!!

این که شعار می‌دهیم: «سکوت هر مسلمان، خیانت است به قرآن!» نیز ناظر به همین معنا است؛ ما مسؤولیت داریم و نمی‌توانیم نسبت به خطا سکوت کنیم. البته نباید مملکت اسلامی را به هم بریزیم، قانون شکنی خودش جرم است. نباید حمله کنیم یا شیشه‌های فلان جا را بشکنیم! یا تظاهرات غیر قانونی و غیر شرعی انجام بدهیم، نه! حکومت اسلامی را باید کمک کرد، مسئولی که در بین این حکومت دارد از جایگاهش و از غفلت اطرفیانش سوءاستفاده می‌کند، باید او را سر جایش نشانند! باید به او فهماند که ما حواس مان به تو هست! و یا به مافوق‌اش فهماند که این مسؤول خطا می‌کند.

– ما باید حرف امام حسین (علیه السلام) را هم گوش بدهیم! بعضی از ماها فقط عاشق زیارتیم، ولی «اطاعت» در کارمان نیست! این نکات را همان امام حسین (علیه السلام) ای که دوستش داریم و برایش گریه و عزاداری می‌کنیم و دل به او داده ایم، از ما طلب می‌کند. انشاءالله همه ما از ایشان الگو بگیریم و در این راه، از ملامت ملامت‌کنندگان نهراسیم...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث شصت و سوم: نزول عذاب به خاطر اجم و مهم نکردن...

وَمِنْهُ، بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبْشَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَجَعْفَرَ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ عَنْ أَبِيهِ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

كَانَ رَجُلٌ شَيْخٌ نَاسِكٌ يُعْبُدُ اللَّهَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَبَيْنَا هُوَ يُصَلِّي وَهُوَ فِي عِبَادَتِهِ إِذْ بَصُرَ بِغُلَامَيْنِ
صَبِيَّيْنِ إِذْ أَخَذَا دِيكًا وَهُمَا يَنْتَفَانِ رِيْشَهُ فَأَقْبَلَ عَلَى مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ وَ لَمْ يَنْهَهُمَا عَنْ ذَلِكَ
فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ أَنْ سِيْخِي بَعْدِي فَسَاحَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَهُوَ يَهْوِي فِي الدَّرْدُورِ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَ
دَهْرَ الدَّاهِرِينَ

* سند روایت:

الأمالی (للطوسي)؛ النص؛ ص ۶۷۰ – مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۸۰ –
مجموعه ورام؛ ج ۲؛ ص ۸۰ – بحار الأنوار (ط – بيروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۸۸ (ترجمه از كتاب السماء
و العالم بحار الأنوار ج ۵۴؛ ج ۸؛ ص ۱۶۲)

* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پیر مرد عابدی در بنی اسرائیل بود که خدا را می پرسید؛ در این میان (روزی) در حال نماز خواندن و عبادتش بود، که دید دو پسر بچه خروسی را گرفته اند و (زنده، زنده) در حال کندن پرهایش هستند. پس به عبادت پرداخت و آنها را از آن کار (حیوان آزاری) باز نداشت. پس (در این حال) خداوند به زمین وحی کرد (و فرمان داد) که: بندهام را فرو بر! و زمین نیز (آناً) او را به درون خود فرو برد؛ تا همیشه...

* نکات:

– این حدیث قابل توجه آن دسته کسانی است که دائم مشغول روزه و نماز مستحبی و عبادات فردی هستند، و خیلی به «شأن اجتماعی اسلام»، مخصوصاً «امر به معروف و نهی از منکر» توجه نمی کنند! امام صادق علیه السلام می فرمایند این پیر مرد، فردی عابد و زاهد بوده (شَيْخٌ نَاسِكٌ يَعْبُدُ اللَّهَ...!)؛ که به دلیل بی اعتنایی به انجام یک منکر بزرگ (مانند حیوان آزاری) و نهی از منکر کردن این دو کودک نادان، مشمول عذاب فوری و آنی خداوند شده است. و نکته قابل تأمل این است که ظاهراً خداوند به زمین دستور می دهد که مرد را در همان حال نماز و عبادت به خود فرو برد، و به جهت این سنگدلی تا قیامت در قعر زمین بماند!

* پیام ها و رهنمودها:

– حکایت این پیر مرد، مثل بعضی از این مسجدی‌های ما هم هست که فقط مشغول مستحبات هستند و برخی واجبات مهم را اصلاً محل نمی گذارند! یا اگر هم مشغول واجبات هستند، در شرایطی که «تزامم واجبات» پیش می آید، اهم و مهم نمی کنند. آقا! به خدا قسم امر به معروف و نهی از منکر «واجب» است! آن نماز مستحبت را یک دقیقه تعطیل می کردی، (حتی اگر نماز واجب هم بود، مگر ما در باب التزامم اهم و مهم، احکام شرعی نداریم؟! آن نماز را یا تعطیل می کردی

یا به یک جایی می‌رساندی) و جلوی این خروس آزاری را می‌گرفتی؛ آن که خروس بود، (و هر چند که آن هم خیلی زشت است) اما الآن برخی نماز خوان‌ها و به ظاهر متدینین ما، خیلی گناه‌های بزرگ‌تر از اینها را هم می‌بینند و باز نهی از منکر نمی‌کنند! بعضی‌ها هم که اصلاً خودشان را می‌زنند به ندیدن و به مستحبات پناه می‌برند؛ اصلاً انکار متوجه چنین گناهی نمی‌شوند: «برویم فلان کار مستحبی خودمان را بکنیم و انکار ما متوجه نشدیم که دارد چنین گناهایی انجام می‌شود...!». خداوند به این جور افراد می‌گوید: «آن نمازی که می‌خوانی یا آن عمل مستحبی که انجام می‌دهی، به کمرت بزند...!!» روایت خیلی تعبیر عجیبی دارد: «زمین! بنده‌ی مرا ببلع!!»

خدا کند که ما مشمول این عذاب‌های الهی نشویم و امر به معروف و نهی از منکر را به بهانه مستحبات و واجبات کوچک ترک نکنیم.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام‌رسان‌های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی نقوی

حديث شصت و چهارم: وظيفه مى علماء

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَمْهُورِ الْعَمِّيِّ يَرْفَعُهُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ؛ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۱؛ ص ۵۴ - دعائم الإسلام؛ ج ۱؛ ص ۲ - الأمالى (للمفيد)؛ النص؛
ص ۱۲۲ - روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ۹؛ ص ۳۲۷ - الوافى؛
ج ۱؛ ص ۲۴۴ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۲۶۹ - مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱؛
ص ۱۸۶ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۲؛ ص ۷۲ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛
الخاتمة ج ۱؛ ص ۱۵۷ - الصوارم المهرقة فى نقد الصواعق المحرقة (لابن حجر الهيثمى)؛
الصوارم المهرقة؛ ص ۱۵

*** شرح و ترجمه حدیث:**

رسول خدا ص فرمودند:

اگر (هنگامی که) بدعتی در میان امت من (در دین آنان) ظاهر و آشکار شد، بر همه‌ی کسانی که می‌دانند (عالم به بدعت و گناه بودن آن چیز یا کار هستند؛ بر همه شان)، واجب است که علم‌شان را اظهار کنند؛ و اگر چنین نکردند، خدا همه‌شان را لعنت می‌کند.

*** نکات:**

– در برخی نسخه‌های حدیثی که به عنوان منبع حدیث ذکر شد، متن روایت به طرق دیگر نیز نقل شده است؛ از جمله: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ، فَلِلْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ...

– «بدعت» به معنای «ظهور هر چیزی به اسم دین» است؛ و فقط هم شامل بدعت‌های شاخ و دم دار و عجیب نیست! اگر می‌بینیم گناه دارد در جامعه علنی می‌شود، اگر احکام اسلام دارد مندرس می‌شود، اگر قبیح یک گناهی دارد عادی می‌شود؛ یا همین که یک گناهی در عرف جامعه از گناه بودن خارج شود، و یک زشتی و یک حرامی عادی شود و قبحش از بین برود، بر همه‌ی کسانی که می‌دانند آن گناه هست، بر همه‌شان واجب است که علم‌شان را اظهار کنند.

– منظور از «عالم»، فقط آخوند و روحانی و طلبه نیست؛ بلکه به هر کسی که می‌داند آن مطلب یا آن کار، حرام است و دارد بین مردم عادی می‌شود، به همه‌ی این‌ها «واجب» است که «اظهار علم» کنند؛ امر به معروف و نهی از منکر کنند.

* پیام ها و رهنمودها:

– عبارت «فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» که از لسان مبارک پیامبر اسلام ص نقل شده است، جنبه دعایی دارد؛ که قطعاً خداوند دعای پیامبرش را (که اینجا در واقع نفرین است!)، مستجاب می کند. لذا باید حواس مان باشد که اگر دیدیم یک گناهی دارد عادی می شود، و در قبالتش امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم، (اظهار علم نکردیم، ترسیدیم، خجالت کشیدیم یا...)، پیامبر خدا آنجا ما را لعنت می کند و می فرماید که در چنین زمانی خدا لعنت تان می کند!

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث شصت و پنجم: وصیت امیرالمؤمنین ع به یارانش...

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع لِأَصْحَابِهِ:

... فَإِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ وَإِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ؛ وَ
اعْلَمُوا أَنَّ الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ. أَلَا وَإِنَّهُ لَا فَقْرَ بَعْدَ الْجَنَّةِ؛ أَلَا وَإِنَّهُ لَا غِنَى
بَعْدَ النَّارِ...

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۲۱۶ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۹۳ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛
ص ۱۹۲ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۹؛ ص ۱۶۲ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛
ج ۶۵؛ ص ۲۱۲

* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در (فرازهایی از) وصیت امیرالمومنین ع خطاب به یارانش، چنین بوده است که:

...اگر (هنگامی که) یک بلایی و شدتی بر شما وارد شد، اموال تان را فدای جان هایتان کنید (یعنی اگر دیدید در یک سختی یا ابتلایی، جان تان در خطر است و می توانید با از دست دادن و سپردن مالی، جانتان را حفظ کنید، اموال تان را در خطر بیاندازید تا جانتان حفظ شود)؛ ولی اگر بلایی خواست نازل بشود که دیدید دین تان در خطر می اندازد (و چاره ای نیست جز اینکه جان تان را به خطر بیاندازید، تا دین تان حفظ بشود)، جان تان را سپر بلای دین تان کنید (جان تان را بدهید تا کافر نشوید! و دین تان از بین نرود...).

و بدانید (ای اصحاب و یاران و شیعیان من!) که هلاک شده کسی است که دینش هلاک بشود (نه صرفاً کسی که جسم اش هلاک شده باشد)، و بازنده و خاسر و شکست خورده کسی است که دینش از بین برود. و بدانید (ای اصحاب و یاران و شیعیان من!) که بعد از بهشت، دیگر هیچ فقری نیست (اگر بهشت را داشته باشیم که دیگر چه فقری؟!); و آگاه باشید که اگر (خدای ناکرده) اهل جهنم باشید، هیچ غنا و ثروتی نیست (به درد انسان نمی خورد).

* نکات:

– یکی از شرایطی که مراجع معظم تقلید در باب امر به معروف و نهی از منکر مطرح کرده اند، بحث «مفسده و خطر» است؛ که فرد باید در مسئله امر به معروف و نهی از منکر ملاحظه «اهم» و «مهم» را بکند: اینکه خطر تذکر چقدر است؟ و خطر سکوت چقدر است

مفسده انواع و اقسامی دارد که اینها در دوره های آموزشی امر به معروف و نهی از منکر به تفسیر مطرح شده و می شود؛ گاهی ضرر «مالی» است، گاهی «جانی»، و گاهی ضرر «آبرویی» است (یعنی توهینی به ما می شود)؛ و گاهی ضرر به «دین» ماست. پس اینها را باید اهم و مهم کنیم، که از همه مهمتر حفظ دین است، بعد حفظ جان است، بعد حفظ آبرو و بعد حفظ مال است.

اینها همه در روایات شیعه آمده است و مراجع معظم تقلید، اینها را از خودشان نمی گویند؛ و روایتی که ذکر شد، یکی از همین دست روایات است که «روایت احکامی» تلقی می شوند.

* پیام ها و رهنمودها:

– رهنمود مهم این روایت به ما – در باب مسئله امر به معروف و نهی از منکر و غیر آن – این است که ما باید طبق وصیت امیرالمومنین به پیروان و یارانش و طبق دستورات احکام شرعی مان در رساله ها:

✓ با مال مان آبرویمان را حفظ کنیم؛

✓ با مال و آبرویمان، جان مان را حفظ کنیم؛

و با مال و آبرو و جان مان، دین مان را حفظ کنیم. و هر کدام را که در رتبه پایین تر است، بذل کنیم برای حفظ بالایی!

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حديث شست و ششم: رضایت خدا یا رضایت مردم؟!؛

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو
بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهَ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ دَامًا وَمَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهَ بَغْضَبِ النَّاسِ
كَفَاهُ اللَّهُ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغَى كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا.

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٢؛ ص ٣٧٢ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٧٠؛ ص ٣٩٢ - مرآة
العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١١؛ ص ٦٨ - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ النص؛
ص ٣١٨ - عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية؛ ج ٣؛ ص ١٨٨ - تهذيب الأحكام
(تحقيق خراسان)؛ ج ٦؛ ص ١٧٩ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٥٢ - الوافي؛ ج ٥؛ ص ٩٩٣

طریق اول: (مسند / اشاره / موثق) علی بن ابراهیم [بن هاشم، ثقه جلیل] عن ابيه [ابراهیم بن هاشم القمی، امامی ثقه جلیل علی التحقیق] عَنِ النَّوْفَلِيِّ [الحسین بن یزید النوافلی، امامی ثقه علی التحقیق و قیل غلافی آخر عمره] عَنِ السَّكُونِيِّ [اسماعیل بن ابی الزیاد السکونی، امامی علی المشهور و فيه کلام ثقه علی التحقیق] عن أبي عبد الله ع [إشارة] قال قال رسول الله ص

طریق دوم: (مسند / عادی) أحمد بن محمد بن محمد بن خالد [البرقی، امامی ثقه جلیل] عن إسماعيل بن مهران [بن محمد بن ابی نصر، امامی ثقه و لیس بغال و لا ضعیف] عن سيف بن عميرة [امامی ثقه جلیل و نسبتہ الی الوقف سهو] عن عمرو بن شمر [الجعفی، امامی ضعیف جدا عند النجاشی] عن جابر [بن زید الجعفی، امامی ثقه جلیل ربما ضعف] عن أبي جعفر ع قال قال رسول الله ص

* شرح و ترجمه حدیث:

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که ایشان فرمودند: هر کس با سخط الهی دنبال رضایت مردم باشد (یعنی رضای مردم را به رضای خدا ترجیح بدهد؛ حاضر بشود به خاطر دل مردم، خدا را خشمگین کند)، همین هایی که (امروز) برایش به به و چه چه می کنند (مردمی که برای کار بدش او را تحسین و تشویق می کردند)، یک روزی همین ها مذمتش می کنند (همین ها توی سرش می زنند: کَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ ذَامًا!). اما اگر کسی اطاعت خدا را ترجیح بدهد بر ناراحتی یا خشم مردم (مهر خدا را بخرد، حرف خدا را بر چشم بگذارد، و لو اینکه مردم بدشان بیاید!)، خدا او را کفایت می کند نسبت به: دشمنی همه ی دشمنان، و حسادت حسودان، و تجاوز و بغی هر دشمن و باغی یی (بدخواهی بدخواهان را از او دور می کند)؛ و خداوند (خودش) یاری کننده و پشتیبان او (ظہیر و ناصر او) می شود.

* نکات:

– ما باید تکلیف مان را با خودمان روشن کنیم: رضایت خدا یا رضایت مخلوق؟! بعضی می گویند: «آقا ولشان کن، بگذار خوش باشند...»، یا «اگر به مهمانی شان نرویم ناراحت می شوند»، یا «حالا یک گناه است دیگر! اگر این گناه را نکنیم، ناراحت می شوند...»؛ یا می گوید: «شوهرم دوست دارد این جور لباس بپوشم، همه من را نگاه کنند! و...» باید به آنها گفت: «بین، رضایت خدا یا رضایت مخلوق؟! بی خود شوهرت دوست دارد! دست شوهرت را هم بگیر، نجاتش بده! قربان صدقه اش برو، بهش بگو این کار غلط است...».

* پیام ها و رهنمودها:

– ما باید سعی کنیم حرف خدا را گوش بدهیم، و دیگران هم ناراحت نشوند؛ و این شدنی است! ولی اگر جایی دیدیم: یا حرف خدا یا حرف مردم؟! قطعاً حرف خدا اولی است؛ محکم انتخاب کنیم حرف خدا را. چرا که خدا می گوید: اگر به خاطر حرف مردم، حرف من را گذاشتی زیر پا، به همان مردم واگذار می کنم، که پس فردا مذمت هم می کنند! ولی اگر با من بودی، آن وقت خدا می گوید: تو حرف من را گوش بده، من شرّ حسادت کننده ها و شرّ دشمنانت را، شرّ همه ی این ها را از تو رفع می کنم، و نگران نباش که: خودم پشتیبانی و نصرت می کنم (وَ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ نَاصِرًا وَ ظَهِيرًا).

خدایا، امتحان سخت از ما بگیر! و اگر امتحان سخت گرفتی، خودت کمک کن رضای تو را بر رضای همه ترجیح بدهیم؛ انشاءالله.

بر گرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی نقوی

حدیث شصت و هفتم: عاقبت رضایت به گناه

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرَّضَاعِ؛ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ لَأَيِّ عِلَّةٍ أَغْرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا فِي زَمَنِ نُوحٍ عَ وَفِيهِمُ الْأَطْفَالُ وَمَنْ لَأَ ذَنْبَ لَهُ؟

فَقَالَ (الرَّضَاعُ):

مَا كَانَ فِيهِمُ الْأَطْفَالُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْقَمَ أَصْلَابَ قَوْمِ نُوحٍ وَارْحَامَ نِسَائِهِمْ أَرْبَعِينَ عَامًا فَانْقَطَعَ نَسْلُهُمْ فَغَرِقُوا وَلَا طِفْلَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُهْلِكَ بَعْدَآبِهِ مَنْ لَأَ ذَنْبَ لَهُ. وَأَمَّا الْبَاقُونَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ عَ فَأَغْرِقُوا لِتَكْذِيبِهِمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ نُوحٍ عَ وَسَأَرَهُمْ أَغْرِقُوا بِرِضَاهُمْ بِتَكْذِيبِ الْمَكْذِبِينَ وَمَنْ غَابَ عَنْ أَمْرِ فَرَضِي بِهِ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ وَأَنَاهُ.

* سند روایت:

التوحيد (للصدوق)؛ ص ۳۹۲ – عيون أخبار الرضا عليه السلام؛ ج ۲؛ ص ۷۵ – علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۳۰ – وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۹ – بحار الأنوار (ط – بيروت)؛ ج ۵؛ ص ۲۸۳

طریق اول : (مسند، اشاره، صحیح) محمد بن علی بن الحسین [ابن بابویه، امامی ثقه جلیل] فی العلل و التوحید و عیون الأخبار عن أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی [امامی ثقه جلیل] عن علی بن ابراهیم بن هاشم [امامی ثقه جلیل] عن ابیه [ابراهیم بن هاشم القمی، امامی ثقه جلیل علی التحقیق] عن عبد السلام بن صالح الهروی [إشارة] [امامی ثقه] عن الرضا ع قال قلت له... فقال

*** شرح و ترجمه حدیث:**

راوی حدیث (عبدالسلام ابن صالح هروی) نقل می کند که از امام رضا علیه السلام پرسید:

هنگام طوفان زمان حضرت نوح ع خداوند برای چه تمام زمین را طوفان فرستاد و غرق کرد؟ در حالی که (حتماً یا احتمالاً) در میان آنها کودکان و افرادی که گناهی نداشتند هم بوده اند؟! (این بچه هایی که آب برد و غرق شدند چه گناهی داشتند؟! یا همه که حضرت نوح را تکذیب نمی کردند، خیلی ها بی تفاوت بودند؛ نه تکذیب می کردند و نه ایمان آورده بودند؟ اینها چه گناهی کرده بودند، چرا زمان نوح تر و خشک با هم سوختند؟ و جرم آن عده ای که تکذیب هم نمی کردند چه بود؟!)

امام رضا علیه السلام فرمودند:

(اولاً:) هیچ بچه ای در زمان طوفان نوح وجود نداشت؛ چرا که خداوند ۴۰ سال (قبل از طوفان)، مردان و زنان قوم نوح را عقیم کرده بود و نسل شان را قطع کرده بود و فرزندی متولد نمی شد؛ پس غرق شدند در حالی که طفلی در بین شان نبود؛ و خداوند کسی را که گناهی نداشته باشد عذاب نمی کند. اما (ثانیاً:) دیگران از قوم نوح ع برخی به خاطر اینکه حضرت نوح ع را تکذیب کردند غرق شدند، و مابقی شان به خاطر رضایت شان به تکذیب آن دسته ی تکذیب کننده غرق شدند؛ و کسی که غایب باشد از امری (یعنی نبیند آن کار را)، ولی راضی باشد به آن عمل، مثل کسی است که آنجا ایستاده بوده و شاهد جرم بوده.

* نکات:

– عدد ۴۰ سال که در روایت اشاره شده، هم نماد بلوغ عقلی است، و هم می تواند نشان دهنده حداقل زمان و فرصتی باشد که خداوند به تمام افراد قوم نوح ع داده بوده تا یا ایمان آورند، یا حداقل در مقابل آزارها و تکذیب کنندگان حضرت نوح ع کاری کنند. بنابراین همه ی آنها که نوح را تکذیب کردند حداقل ۴۰ سال را داشته اند؛ پس عاقل و بالغ بوده اند.

* پیام ها و رهنمودها:

– دقت کنید دو سوال در اینجا از امام (ع) پرسیده شده است:

۱. طفل هایی که آن زمان بوده اند چه گناهی کرده بودند؟

۲. آن هایی که گناه نمی کردند، یعنی تکذیب نمی کردند و مسخره هم نمی کردند، جرم

اینها چه بوده و چرا باید عذاب می شدند؟

حضرت جواب می دهند:

✓ اولاً بچه ای در آن زمان وجود نداشته و چهل سال خداوند آنها را عقیم کرده بوده است.

✓ و در مورد مابقی قوم نوح ع که عذاب شدند:

۱. گروهی عذاب شدند بخاطر تکذیبشان،

۲. و سایرین که نه ایمان داشتند به حضرت نوح علیه السلام و نه تکذیبش می کردند اما ساکت

بودند، خداوند غرقشان کرد بخاطر رضایت شان به تکذیب دیگران؛ چون لال شده بودند!

ساکت و راضی بودند به عمل آنهایی که نوح را مسخره و اذیت می کردند...

– اینکه حدیث اشاره می کند که: «کسی که غایب باشد از امری و آن کار را حتی نبیند، ولی راضی باشد به آن عمل، مثل کسی است که آنجا ایستاده بوده...»، این پیام را دارد که: مثلاً امروز در فلسطین اشغالی که دارند مسلمانان را مورد تجاوز قرار می دهند، اگر مایی که در فلسطین نیستیم و غائبیم از این ظلم ها، اگر خدای ناکرده ما یا افرادی راضی باشیم به این عمل (که بگذار بزنند و بکشند، بما چه؟!، آن ها که در کشور ما نیستند که بگذار بکشند! و از این حرف های کوتاه فکری؛ که نشان می دهد مرز فکری این افراد خط جغرافیایی است و نه خط اعتقادی و انسانی)، درست است این افراد کنار سربازهای اسرائیلی اسلحه نگرفتند تا بچه ۳ ساله را بکشند، اما چون راضی به آن عمل هستند، مثل همان سرباز اسرائیلی باهایشان برخورد می شود که به بچه ۳ ساله را می کشد! چرا که انکار همان جا حضور داشته و راضی به آن عمل بوده.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

